



مشاوره تحصیلی هیوا

تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مشاوره تخصصی ثبت نام مدارس ، برنامه ریزی درسی و آمادگی
برای امتحانات مدارس

برای ورود به صفحه مشاوره مدارس کلیک کنید

برای ورود به صفحه نمونه سوالات امتحانی کلیک کنید

تماس با مشاور تحصیلی مدارس

۹۰۹۹۰۷۱۷۸۹



تماس از تلفن ثابت

درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)

اظهار نظر (صفحه ۴۹)*

— ابن سینا: جمله ابن سینا بیان کننده این حقیقت است که وجه ممیزه انسان از سایر حیوانات در استفاده کردن از عقل است، نه حتی در داشتن عقل. چرا که انسان اگر از عقلی که به او داده شده درست استفاده نکند نه تنها برتر از حیوانات دیگر نیست بلکه به قول قرآن کریم به مراتب پست تر از حیوان نیز خواهد بود.

(در قرآن کریم نسبت به تعقل و خردورزی آیات زیادی وجود دارد از جمله: { إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ، الصُّمِّيُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ } (به راستی که بدترین جنبندگان نزد خداوند، گرها و لال هایی هستند که تفکر نمی کنند)) (آیه ۲۲/ انفال)

{ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ، إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا } (آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند؟ آنان فقط همچون چهارپایان اند، بلکه گمراه ترند.) (۲۵/ الفرقان)

- او گوشت کنت: علم جدید و تجربه هر چند قوی باشد ما را از استدلال عقلی بی نیاز نمی کند، چراکه بسیاری از معارف جز از طریق عقل و استدلال عقلی به دست نمی آید و اصولاً در محدوده و قلمرو تجربه قرار نمی گیرند. (نکته برای دبیران محترم: ممکن است دانش آموز با توجه به قدرت علم جدید فقط به نقاط قوت آن توجه داشته باشد و نظر او گوشت کنت را تأیید کند. از طرفی هم باید توجه داشت که دانش آموز در این سنین، تازه وارد مرحله تفکر انتزاعی و تفکرات عقلی محض شده است و تا به حال بیشتر آگاهی های او از روش های عینی و ملموس شکل گرفته است و ممکن است چندان احساسی نیاز به استدلال عقلی نکند، بنابراین باید او را متوجه کارکردها و حیطه های استدلال عقلی و علوم تجربی کرد تا متوجه اشکال نظر او گوشت کنت شود)
- حافظ: (گفته شده خطاب به ابن سینا است) حافظ می گوید: شما فقط از راه عقل و استدلال عقلی نمی توانید طریق عشق را بیان کنید.

(منظور حافظ اشاره به این مطلب است که عشق راستین فراتر از عقل است نه در تضاد با عقل)

- ویتگنشتاین: { توضیحی در مورد عقیده او نسبت به باورهای دینی } : باور دینی از نظر ویتگنشتاین:
- باوری عقلی و فلسفی نیست. — باوری علمی نیست، نه نظریه است نه فرضیه و نه قابل آزمایش.
- باوری مبتنی بر پیش بینی هم نیست. — تاریخی نیست. — خرافه نیست (خرافه یک نوع علم غلط است ایمان ساحت مستقلی است که محتاج به امری خارج از خود مثل عقل نیست. از نظر او باور دینی شئ نیست برهان و استدلال عقلی را ندارد، همانطور که دیوار شائیت بینایی را ندارد. ایمان نوعی خطر کردن و راه رفتن در تاریکی است که با وضوح عقلانی سرسازش ندارد. و خدانیز اگر مانند سایر پدیده ها قابل اثبات بود ایمان به او ممکن نبود.

نقد و بررسی دیدگاه:

- ۱- شاید تلقی او از دین، دین مسیحی (تحریف شده) باشد که در آن به عقل و استدلال عقلی توجه چندانی نمی شود و مبتنی بر ایمان است نه عقلی (او منکر عقل نیست ، بلکه منکر دخالت عقل در دین است)
- ۲- این عقیده نسبی گرایانه است. نتیجه پذیرش این اعتقاد تعطیلی کامل عقل در حوزه دین و عقاید دینی است که نه از نظر عقل پذیرفتنی است و نه با آموزه های دینی سازگاری دارد.
- ۳- پذیرش این عقیده راه را برای ورود هر باور خرافی به دین و باورهای دینی باز می کند.

مقایسه (صفحه ۵۵) *

- کانت این مفاهیم را ذهنی (جزء ساختار ذهن) می داند و معتقد است آنچه از طریق حواس به دست می آورد در قالب این مفاهیم قرار می دهد (این مفاهیم از وجودهای خارجی به دست نمی آید) ولی این سینا و سایر فلاسفه اسلامی منشأ انتزاع آن را خارج می داند (به عنوان معقولات ثانی فلسفی) .

به کار بیندیم (صفحه ۵۵)

- ۱- افلاطون : عقل هر دو جنبه اش (عملی و نظری) قوی است . معتقد به جهان عقلانی است و عقل غیر حسی را که به مثل دسترسی پیدا می کند ترجیح می داد .
 - ۲- ارسطو : هم قائل به عقل نظری بود و هم عقل عملی / در عقل نظری نیز هم معتقد به عقل نظری محض بود و هم عقل نظری تجربی . از نظر ارسطو انسان با عقل نظری هم جهان طبیعت را می شناسد و هم ماوراء طبیعت و با عقل عملی کارهای مربوط به زندگی را تنظیم می کند .
 - ۳- بزرگان اولیه کلیسا : آن جنبه ای از عقل را قبول داشتند که بتواند در اختیار دین قرار بگیرد و در مواردی که دین نظرات خاصی داشت مثل غسل تعمید ، تثلیث و ... عقل را قبول نداشتند . به عبارت دیگر عقل را در ورود به حوزه دین ناتوان می دیدند و معتقد بودند مفاهیم اصلی دین فراتر از فهم عقل است .
 - ۴- بیکن : از نظراو باید به دنبال عقل تجربی برویم تا پیشرفت کنیم . عقل محض و استدلالی چندان مفید نیست
 - ۵- دکارت : هم معتقد به عقل عملی بود و هم نظری (بیشتر معتقد به عقل محض) . عقل هم مستقل از تجربه می تواند به حقیقت برسد و هم با کمک تجربه .
- کانت : از نظر او عقل نظری توانایی اثبات وجود خدا، روح و مفاهیم ماورایی را ندارد و کارش بیشتر نقادی خود عقل است . برای رسیدن به واقعیات فقط می توان از تجربه کمک گرفت و برای عقل عملی در حوزه اخلاق و دین ارزش قائل است . (تمام مفاهیم اخلاقی و همچنین اثبات وجود خدا در حوزه عقل عملی است)

- اوگوست کنت : فیلسوفان به دنبال عقلی رفته اند که ناظر بر واقعیت نیست . واقعیت فقط همین امور مادی است که از طریق حس و تجربه به دست می آید. عقل را فقط در محدوده تجربه قائل است . (عقل تجربی)

